

بررسی نقش آموزش و پرورش در مقابله با آسیب های رسانه های نوین

محسن توده رنجبر^۱، فاطمه عراقی^۲^۱ کارشناس آسیب شناسی اجتماعی و کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی^۲ کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

نام نویسنده مسئول:

محسن توده رنجبر



چکیده

امروزه رسانه ها به عنوان نظام مرکزی اعصاب جامعه تلقی می شوند. هر چند نظام سلطه جهانی با تأکید بر امپریالیسم رسانه ای، امپریالیسم فرهنگی را در دنیا حاکم ساخته، لیکن تعبیری از رسانه ارائه داده که صرفنظر از همه ی مسائل مترتب بر آن، حاکی از قدرت و کارکرد بالای رسانه است: تعبیری که «رسانه ها را خدای دوم» می داند واژه ی مناسبی برای قدرت و کارکرد امروزی رسانه ها است. رسانه که به خودی خود ابزاری مناسب جهت گسترش ارتباطات سالم می باشد، متأسفانه به دست آلوده قدرت طلبان و استعمارگران به وسیله ای جهت استیلا و سلطه فرهنگی بدل شده است. چنین به نظر می آید که پیشرفت رسانه ها، پدیده ای کاملاً مطلوب و عاری از خطاست و برای تحقق دهکده جهانی، لازم و ضروری است. گرچه تکنولوژی های جدید ارتباطی، سهم به بسزایی در پیشرفت علم و رفاه انسانی دارند اما در تجربه کوتاه و چندین ساله معلوم شده است دارای برخی آسیب ها و پیامدهای منفی نیز هستند. رسانه های نوین با اضمحلال امنیت فرهنگی، هویت ملی و ارزش های مسلط کشورها، روح و ذهن، اندیشه و جان و فرهنگ ملت های مختلف جهان را در چنبره ی خود درآورده اند. در چنین شرایطی آموزش و پرورش به عنوان یکی از قدرتمندترین نهادهای جامعه به لحاظ در اختیار داشتن نیروهای انسانی و همچنین گسترده ترین دستگاه فرهنگی کشور است که به طور مستقیم جمعیتی بزرگ را تحت پوشش قرار داده است، با اتخاذ راهبردهای خردگرایانه و آرمانی می تواند جوانان، خانواده ها و در نهایت کشور را از آسیب های رسانه های نوین در امان بدارد. بدون شک ناآشنایی کافی کودکان و نوجوانان با مهارت های اجتماعی ریشه اغلب آسیب پذیری های اجتماعی آنهاست؛ از این رو بررسی نقش آموزش مهارت های اجتماعی در کاهش آسیب های اجتماعی در مدارس می تواند بسیار کمک کننده باشد. با توجه به این که آموزش و پرورش، ۱۲ سال با افراد ارتباط دارد و مدرسه یکی از مؤثرترین محیط های اجتماعی است و مردم و خانواده ها نیز در زمان حضور فرزندانشان در مدرسه، با این محیط در ارتباط هستند؛ بنابراین دانش آموزان در سنی قرار دارند که اگر اطلاعات کافی به آن ها داده شود، به ندرت در سنین بالاتر درگیر آسیب های گوناگون از جمله آسیب های ناشی از رسانه ها می شوند. آموزش و پرورش باید درهای کلاسهای خود را برای توسعه برنامه های مبتنی بر افزایش مهارت استفاده از رسانه ها و پیشگیری از آسیب های آنها باز کند.

کلمات کلیدی: آموزش و پرورش، آسیب اجتماعی، رسانه های نوین.

مقدمه

رسانه‌ها چه در سطح ملی و چه در سطح فرا ملی، فرهنگ و امنیت فرهنگی ملت‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌اند. اهمیت رسانه تا حدی است که بعضی آن را «خدای دوم» نامیده‌اند. در واقع رسانه با کارکردهای متعدد و متنوع خود در شکل دهی به افکار عمومی ملی یا فرا ملی، فرهنگ عامه را متأثر می‌سازد. البته رسانه‌ها در هویت زدایی فرهنگی کشورهای جهان سوم و در حال توسعه نقش بسیار برجسته‌تری دارند. زندگی دنیای امروز به شدت سنگینی سایه رسانه‌های نوین جهانی را در خود احساس می‌کند. انحصارات رسانه‌ای تمام روابط و مناسبات بشری را تحت الشعاع قرار داده است. در واقع پایگاه‌های ثروت و قدرت جهانی با جایگزین کردن سلطه‌ی رسانه‌ای خود با بهره‌گیری از نظریه‌ی کاشت، جهان بینی، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی خود را در بین کشورهای در حال توسعه و جهان سوم کاشته‌اند [۱]. حاکمیت ارزش‌های سکولار و لیبرالیستی غرب و هویت زدایی از فرهنگ‌های بومی و نادیده گرفتن مباحث اخلاقی و انسانی از یک سو و نقش برجسته‌ی رسانه‌های نوین در واقعی نمودن غیر واقعی‌ها و غیر واقعی نمودن واقعیت‌ها که از آن تعبیر به «واقعیت مجهول» نموده‌اند، دورنمای فرهنگی ناخوشایندی را برای کشورهای در حال توسعه ترسیم نموده است. اصطلاحاتی چون «تکنوپولی»^۱، «ایدز فرهنگی»، «امپریالیسم فرهنگی»، «قانون گرشاهم فرهنگی»^۲ و ... همه حاکی از روابط و مناسبات یک سویه و عمودی رسانه‌های نوین کشورهای صنعتی با کشورهای در حال توسعه است [۲].

رسانه‌های نوین با اضمحلال امنیت فرهنگی، هویت ملی و ارزش‌های مسلط کشورها، روح و ذهن، اندیشه و جان و فرهنگ ملت‌های مختلف جهان را در چنبره‌ی خود درآورده‌اند. در چنین شرایطی آموزشی و پرورش به عنوان یکی از قدرتمندترین نهادهای جامعه به لحاظ در اختیار داشتن نیروهای انسانی، با اتخاذ راهبردهای خردگرایانه و آرمانی می‌تواند جوانان، خانواده‌ها و در نهایت کشور را از آسیب‌های رسانه‌های نوین در امان بدارد [۲].

بیان مسأله

در دنیای امروز، رسانه‌های نوین نقش بسیار مهمی در روابط مردم سرتاسر جهان ایفا می‌کنند. به طوری که به جزیی جدایی‌ناپذیر از زندگی بیشتر مردم تبدیل شده‌اند. این در حالی است که اساس پیدایش این رسانه‌ها تسهیل و کوتاه نمودن مسیر ارتباطی میان افراد جامعه تلقی می‌گردد [۳].

در ایران نیز این پدیده نه چندان نوظهور روز به روز بر خیل مشتاقان خود می‌افزاید. شاید در گذشته نه چندان دور افراد شناخت کمی نسبت به ماهیت و چگونگی استفاده از این رسانه‌ها داشتند، اما این روزها در زندگی روزمره شاهد آن هستیم که طیف متفاوت مردم راجع به این رسانه‌ها با هم صحبت و تبادل اطلاعات می‌نمایند. طبقات مختلف در جامعه از زن و مرد، پیر و جوان، باسواد و بی‌سواد، از آن صحبت می‌کنند. عده‌ای بسیار مخالف آن‌ها بوده، وجودشان را باعث مضرات اجتماعی و فساد اخلاقی برای طبقات جامعه دانسته و مایل به بستن، تعطیل و فیلتر کردن آن‌ها هستند و در مقابل، عده‌ای دیگر آن‌ها را مظاهری از تمدن جدید شمرده، وجود آن‌ها را برای پیوستگی‌های اجتماعی مفید، بلکه لازم می‌دانند. فراگیر شدن استفاده از این پدیده، پیامدهای مثبت و منفی بسیاری را بر زندگی ما القاء نموده و در مواردی نیز تبعات گریزناپذیری را بر ما تحمیل داشته است. تا آنجائیکه بعضا اصطلاحات مرسوم در این رسانه‌ها بخشی از فرهنگ محاوره افراد جامعه ما را تشکیل می‌دهند [۴].

در این تحقیق کوشیده‌ایم تا نقش آموزش و پرورش را در کاهش آسیب‌های استفاده از این رسانه‌های نوین بر روحیات افراد بررسی نموده و نتایج حاصله را به بوته نقد بنهیم.

^۱. تکنوپولی واژه‌ی ترکیبی از دو واژه‌ی تکنولوژی و مونوپولی است و به معنای چیرگی و سلطه‌ی بدون چون و چرای تکنولوژی بدون اخلاق می‌باشد. این وضعیت خطر عمده‌ای برای هویت فرهنگی جوامع بشری است.

^۲. این قانون توسط "سر توماس گرشام" تاجر معروف انگلیسی (۱۵۷۹-۱۵۱۹) طرح گردید که در قالب شعر بر این امر تصریح دارد که پول بد با قرار گرفتن در گردش پولی، پول خوب را از گردش خارج می‌کند.

رسانه؛ مفهوم

رسانه که در مفهوم نوین آن را معادل **medium** و جمع آن را **media** می دانند به معنی وسایل ارتباط جمعی است. رسانه های گروهی را معادل **media mass** و شامل آن دسته از وسایل ارتباطی می شناسند که جریانات خبری را به گروه کثیری از مخاطبان می رسانند. این مفهوم روزنامه، ماهواره، کتب، رادیو، تلویزیون، اینترنت و ... را شامل می شود. رسانه از مصدر رساندن گرفته شده و رساندن یعنی چیزی را به کسی دادن و سپردن و یا نزدیک کردن و اتصال دادن است. هدف آن انتقال پیام، ابزار احساسات و عواطف گوینده و برانگیختن آنها در مخاطب و درخواست چیزی از یک فرد یا یک گروه است که زمینه برقراری ارتباط را بین گوینده و فرد یا گروه موردنظر فراهم می سازد. در این که رسانه چه نقش و جایگاهی در یک جامعه و ثبات و یکپارچگی آن و تامین امنیت ملی یک کشور دارد مسائل مختلفی مطرح است. امروزه رسانه ها به عنوان نظام مرکزی اعصاب جامعه تلقی می شوند. هر چند نظام سلطه جهانی با تأکید بر امپریالیسم رسانه ای، امپریالیسم فرهنگی را در دنیا حاکم ساخته، لیکن تعبیری از رسانه ارائه داده که صرفنظر از همه ی مسائل مترتب بر آن، حاکی از قدرت و کارکرد بالای رسانه است: تعبیری که «رسانه ها را خدای دوم» می داند واژه ی مناسبی برای قدرت و کارکرد امروزی رسانه ها است [۱].

کارکردهای رسانه در وجه ایجابی و مثبت آن در حوزه ی رسانه های ملی

۱. اطلاع رسانی و تنویر افکار عمومی
۲. آموزشی و پرورشی
۳. انتقال فرهنگ و میراث فرهنگی
۴. ایجاد تفاهم بین دولت و مردم
۵. ایجاد انسجام ملی و تقویت روح جمعی
۶. هویت ساز و احیا کننده ی هویت ملی
۷. احیا و ترویج ارزش ها و باورهای ملی
۸. بازسازی امنیت فرهنگی
۹. اقناع و متقاعد سازی
۱۰. آسیب زدایی از تهاجمات فرهنگی بیگانه
۱۱. بازسازی ارزش های سنتی آسیب دیده
۱۲. برجسته سازی
۱۳. تبلیغات
۱۴. دیپلماسی عمومی

نظریات مختلف جامعه شناسان در خصوص شبکه های نوین ارتباطی

در این بخش به بررسی نظریات مختلف جامعه شناسان و همچنین دو نظریه انباشت و نظریه پذیرش نوسازی پرداخته می شود. **گیدنز:** اظهار می دارد که امروزه در شرایط نوگرایی غیرارادی، در بیشتر جنبه های روزمره ثنوریهای اساسی وجود دارند که برای شخصیت، به عنوان طرحی نمادین، پی آمدهای مهمی داشته است. دست کشیدن از قدرت های بی چون و چرا به این معنی است که در هر لحظه زمانی، افراد نمی توانند دوباره به شیوه ادامه طرح شخصیتی خود پاسخ روشنی ارائه دهند. سیستم های ارجاع درونی همواره مورد تردید قرار گرفته، ضعیف شده و گاهی از هم می پاشند [۵].

زندگی در جهان نوگرایی نوین مستلزم آن چیزی است که گیدنز در کتاب نوگرایی و هویت فردی خود از آن به عنوان چهار « معضل شخصیتی» یاد می کند اگر افراد بخواهند به روایتی متجانس از شخصیت خویش دست یابند باید درباره این چهار معضل تصمیم گیری نمایند:

- **وحدت در برابر کثرت:** در نوگرایی کثرت نیز نوعی وحدت است .
- **ضعف در برابر تصاحب :** ما به شدت به اثبات حکمی کلی نیاز داریم، چرا که با آمدن مؤسسات نوین اغلب افراد نسبت به زمان های قبل، احساس ضعف بیشتری می کنند. همه انواع سلب مالکیت ها لزوماً به مالکیت دوباره نمی انجامد.
- **شرایط نوگرایی غیرارادی:** در شرایط نوگرایی غیرارادی، هیچ اقتدار تعیین کننده ای، جز جمعی مدعی قدرت، وجود ندارد.

• **تجربه شخصی در برابر تجربه شیئی:** بحث درباره شخصیت، با نوگرایی آغاز شد اما در موقعیت های مختلف از اثرات استاندارد شدن محصولات سرمایه داری تاثیر پذیرفت.

گیدنز به این نتیجه رسید که: « نظارت بر تغییر در سبک زندگی، مستلزم پیکار با جهان اجتماعی بیرون، و نه فرار از آن است» تا زمانی که اینترنت این معضلات شخصیتی را تشدید می کند. هنوز باید، بیش از گذشته پیکار کرد. این پیکار مستلزم توسعه مهارت ها و راهبردهایی است که به صورت فعال، تهدیدات بی هدفی که واپس زدگی را خنثی میکند، می باشد [۵].

گیدنز توصیف می کند: جهانی شدن، آرامش دوباره زمان و مکانی است که فعالیت از راه دور آن را تسهیل کرده است. در ابتدا و همانطور که گیدتر استدلال می کند، به نظر می رسد که جهانی شدن فرایندی بیرونی است که توسعه تعاملات هدف ها را در بر دارد. زندگی روزمره ما از آن تاثیر پذیرفته اما در فاصله دوری از آن قرار دارد. امروزه جهانی شدن مسئله درونی تاثیرگذاری است که به روش های مختلف با خصوصی ترین چیزهای زندگی ما نیز ربط می یابد.

آبگرن: به اعتقاد آبگرن هر تکنولوژی جدید (در آن روز ها عمدتاً تلفن و اتومبیل) فاصله ای در جامعه ایجاد خواهد کرد چون بهر حال هستند کسانی که می توانند این وسایل تجملی را خریداری کنند و دیگرانی که قادر به خرید آن نیستند نوآوریهای تکنولوژیک سبب خواهد شد تا همیشه عده ای از دیگران عقب بمانند [۲].

تامپسون: به نظر تامپسون، شبکه های نوین ارتباطی نه تنها امکان بررسی جهانی و مرئی شدن جهانی را افزایش می دهد. بلکه امکان بازرسی متقابل را نیز فراهم می آورند. تامپسون خاطر نشان می سازد، ادبیات جهانی شدن فرهنگی به طور گسترده بر تحقیقات رسانه های ارتباطی تاثیر می گذارند. دو مسئله ای که به طور برجسته در تحلیل تامپسون مطرح است: اول مسئله صنعت فرهنگ مارکس و ثودور آدورنو و دوم مسئله امپریالیزم فرهنگی که هربرت شیلر آن را مطرح کرده است [۵].

ایزومی آیزو: آیزو عقیده داشت که با وجود اینترنت ظاهراً فرهنگ های فرد می توانند خود را عرضه کنند. ایزومی آیزو بعنوان متخصص ارتباطات بین فرهنگی در ژاپن اشاره می کند که اینترنت عرصه ای جهانی فراهم آورده است تا ظاهراً فرهنگ های خرد که به رسانه های جمعی یا اقتصاد جمعی توجهی ندارند شکل گیرد. او ادامه می دهد که در برخی از کشورهای در حال توسعه اکنون افراد نه تنها برای دستیابی به دانش یا اطلاعات در کشورهای پیشرفته بلکه برای اشتراک و تبادل اطلاعات خود با دیگران خیز برداشته اند [۵].

نکته مهم درباره این گونه نظریه ها این است که درستی آنها در یک مدت طولانی و با جمع آوری اطلاعات بسیار ثابت می شود و فقط متکی به تایید شواهد پژوهشهای تجربی نیست. هنوز هم آنچه گفته شده در حد نظر و حدس است، تاثیرات قدرتمند رسانه ها وقتی آشکار می شود که با مشاهدات دقیق و بررسی تاریخ حوادث و گرایش های متنوع در این زمینه تکمیل گردد [۵].

نظریه انباشت^۳: روی هم انباشتگی تاثیرات جزئی

یک راه برای درک تاثیرات بلند مدت رسانه ها بر جامعه آن است که معیارها و شرایطی را که باید همراه با تاثیرات جزئی فراهم باشند، تا اینکه این تاثیرات با هم جمع شوند، بررسی کنیم. سه شاخه اصلی باید فراهم باشند تا پدیده انباشت و یا جمع تاثیرات کوچک حادث شود و بتوانیم توضیح دهیم که چگونه این تغییرات کوچک موجب تحولات عظیم در دراز مدت می شوند.

اول: رسانه ها باید به صورت تکراری روی مسئله ای تمرکز داشته باشند. دوم: رسانه ها باید در این کارشان پیگیر و همسو باشند و کم و بیش تفسیر و توضیح مشابهی از قضیه ارائه دهند. سوم: رسانه های متنوع و مهم نظیر روزنامه ها، رادیو، تلویزیون و مجلات باید در واقع فعالیت های یکدیگر را تقویت کنند و مکمل تعهدهایشان در این زمینه باشند. به طور کلی نظریه انباشت در واقع نشان دهنده و تسریع کننده علل تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جامعه است که در نتیجه نفوذ وسایل ارتباط جمعی و انباشت آثار جزئی بوقوع پیوسته است. نتیجه نهایی می تواند حقیقتاً راوی تغییرات شگرفی باشد که به دلیل نقش ظاهراً ناپیدا ولی به هر حال پر قدرت رسانه ها در جامعه اتفاق می افتد. این تاثیرات وقتی حادث می شوند که رسانه ها مکرراً بر موضوع خاصی تمرکز پیدا می کنند و آنها را نسبتاً از طریق پایداری توضیح می دهند و شاخه های مختلف رسانه ای نیز یکدیگر را در این راه همیاری و تقویت می کنند [۶].

³. Accumulation theory

نظریه پذیرش نوسازی^۴: نقش رسانه ها

منبع اغلب نوسازی ها در واقع اختراعات هستند، حتی اگر این اختراعات از جوامع دیگری به عاریت گرفته شوند، اختراع روندی است که طی آن شخص یا گروهی، عناصری را که قبلاً در متن فرهنگ جامعه وجود داشته است، در کنار هم قرار می دهد و از ترکیب آنها در واقع یک نوع اختراع و در نتیجه نوسازی ارائه می کند. بصورت کاملاً آشکاری، مردم هر نوع نوآوری را به محض آنکه عرضه شد قبول نمی کنند، حتی اگر قبول آن منطقی و به نفعشان باشد، در واقع در اینجا نیز روند انباشت کار می کند. بدین معنی که به تدریج و با جمع آثار جزئی تبلیغات، استفاده از آن شروع می شود. وسایل ارتباط جمعی در واقع ایجاد آگاهی می کنند، گسترش اطلاعات از طریق رسانه ها و قبول و پخش نوآوری ها دارای ارتباط نزدیکی با یکدیگر هستند. در جوامع قدیمی قبول نوآوری ها بدون وجود رسانه ها انجام می شد. در واقع اطلاعات سینه به سینه نقل قول و موجب گسترش استقبال از نوآوری ها می شود [۶].

آسیب شناسی رسانه های نوین

رسانه که به خودی خود ابزاری مناسب جهت گسترش ارتباطات سالم می باشد، متأسفانه به دست آلوده قدرت طلبان و استعمارگران به وسیله ای جهت استیلا و سلطه فرهنگی بدل شده است. چنین به نظر می آید که پیشرفت رسانه ها، پدیده ای کاملاً مطلوب و عاری از خطاست و برای تحقق دهکده جهانی، لازم و ضروری است. گرچه تکنولوژی های جدید ارتباطی، سهم به بسزایی در پیشرفت علم و رفاه انسانی دارند اما در تجربه کوتاه و چندین ساله معلوم شده است دارای برخی آسیب ها و پیامدهای منفی نیز هستند.

امروزه با گسترش بی حد و حصر فن آوری اطلاعات و ارتباطات که مظهر آن همان اقمار مصنوعی می باشد، تهاجم فرهنگی به مسئله ای جهانی تبدیل گردیده است و این ابتلای جهانی، بسیاری از کشورها را به چاره اندیشی وا داشته است و حتی اندیشمندان و روشنفکران کشورهای غیراسلامی نیز نسبت به امحاء فرهنگ کشور خود در برابر فرهنگ رسانه ای، دغدغه خاطر دارند و در مواجهه با این پدیده ساختارشکن، خود را مسئول می دانند.

ناگفته پیداست که حجم، سطح و ضریب این مخاطرات در کشور ما به مراتب نسبت به سایر کشورها بیشتر و حادثتر می باشد، زیرا ایران به عنوان کشوری که تجربه انقلابی مردمی را دارا می باشد و در طول سه دهه از حیات خود، بر آرامان های قدسی و دینی، پای می فشارد مسلماً برای قدرت های طماع بین المللی خطر آفرین است و آنان را در تحقق تهاجم فرهنگی، توسط رسانه های نوین، ناکام می گذارد. بنابراین ایران به عنوان یکی از کانون های مورد تهاجم آنان مطرح می باشد بی گمان این مسئله، باید مسئولان و روشنفکران جامعه ما را در انجام رسالت فرهنگی خود در پاسداری از آرمان ها و مقابله با تهاجمات فرهنگی، راسخ تر و استوارتر سازد [۷].

پیامدهای منفی رسانه های نوین

به طور کلی پیامدهای منفی رسانه های نوین را می توان به چهار دسته عمده تقسیم کرد:

آسیب های اقتصادی

ایجاد توقع فزاینده در مردم، یکی از نظریه ها در تحلیل رخ دادن انقلاب هاست و برنامه های اقتصادی رسانه ها به خوبی در این راستا عمل می کنند. هزینه هایی که صرف خرید رسانه ها می شود، نوعی تراز تجاری منفی برای کشور ایجاد می کند. از سوی دیگر، تبلیغات تجاری برخی رسانه ها برای کالاهای تولیدی، به سرعت احساس نیاز را در مردم برمی انگیزد؛ زیرا معمولاً این برنامه ها با هدف های مشخصی طراحی می شوند و در هر قسمت از آن، نوعی تبلیغ برای فروش و بازاریابی وجود دارد. شرکت ها برای ارائه این تبلیغات، هیچ تعرفه ای نیز به دولت ها نمی پردازند.

آسیب های سیاسی

تمایز میان اهداف سیاسی و اقتصادی قدرت های جهانی در روابط بین المللی بسیار دشوار است. استعمارگران با تهیه برنامه های مورد پسند جهان سومی ها و پخش خبرهای مغالطه آمیز و فریبنده، جوسازی می کنند و از مسائل به وجود آمده به نفع خود سود می جویند. بیان خبرهای جهت دار و تحریف شده، تحلیل های غیرواقعی و نامنصفانه در رسانه ها، همه در جهت منافع گردانندگان آنهاست.

آسیب های اجتماعی و فرهنگی

- مسخ فرهنگ جهانیان و دیکته نمودن الگوها و هنجارهای تهاجمی، توسط رسانه های غربی
- تحقیر سنت های ملی و تعظیم فرهنگ بیگانه
- تخریب هویت ملی

4. Adoption of Innovation Theory

- تلاش در جهت ترویج فرهنگ برهنگی
- افزایش جرایم توسط نمایش تصاویر خشونت بار و نزاع و کشتار
- تکنیک زدگی و حاکمیت تکنیک در زندگی اجتماعی
- تغییر و تخریب معانی و مفاهیمی همچون آزادی عقیده، آزادی بیان، حقوق بشر و ...
- تهی شدن زبان و ادبیات ملی از زیبایی های خاص خود
- تغییر گفتمان ملی توسط بیگانه و طرح مسائل انحرافی در توسعه پایدار کشور
- آموزش و جذاب جلوه دادن تفریحات ناسالم برای جوانان
- ترویج مد گرایی و ارائه مدهای آرایشی و پوششی نا بهنجار
- القای شکاف میان مردم و حاکمیت
- ارائه اخبار و اطلاعات ناروا و تحریف اخبار و شایعه پراکنی
- بزرگ نمایی نقاط ضعف و بی اهمیت جلوه دادن نقاط قوت کشورهای مورد نظر
- تلاش برای خلق هیجان کاذب و خلق آرمان های عوام فریب
- تزلزل بنیان اخلاقی خانواده و اتلاف وقت
- از بین بردن روحیه اعتماد به نفس و ایجاد باورهای نپهیلیستی و پوچ انگارانه میان جوانان
- گسترش فرهنگ مصرف و عدم تمایل به اقدامات خلاقانه و ...

آسیب های نظامی

رسانه ها در تضعیف روحیه نیروهای مسلح و گروه های هدف جنگ روانی، نقش اساسی دارند و از قدرت رزمی و دفاعی آنان می کاهند. همچنین روحیه ایثارگری و فداکاری را در آنان تضعیف می کنند و اراده پشتیبانی کنندگانشان را در جنگ های نظامی درهم می شکنند [۷].

آسیب رسانه های نوین بر روی جوانان و نوجوانان

بدون شک با توجه به این که دانش آموزان در سن حساسی قرار دارند آسیب های اجتماعی زیادی آن ها را تهدید می کند و این مسئله مستلزم توجه ویژه به آن هاست. امروزه باید رفتارهایی را جدی بگیریم که ظاهر تفریحی و سرگرم کننده دارند اما دروازه هایی برای مبتلا شدن به آسیب های اجتماعی بزرگ تر هستند. از جمله آسیب های رسانه بر روی جوانان علاوه بر موارد فوق، می توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:

بلوغ زودرس و دسترسی سریع به اطلاعات جنسی

اکثر برنامه های رسانه ها به راحتی و بدون هیچ سانسوری، مسائل جنسی را مطرح می کنند و نمایش می دهند. این شیوه ارائه اطلاعات حتی در آگهی های بازرگانی نیز به وفور دیده می شود. متأسفانه بارها مشاهده شده فرزندان کوچک خانواده نیز بدون هیچ محدودیتی و در کنار والدین خود به تماشای این صحنه ها پرداخته اند و این در حالی است که هیچگونه ظرفیتی برای پذیرش اینگونه اطلاعات ندارند، در نتیجه تحت تاثیر آن قرار می گیرند. بلوغ زودرس یکی از نتایج منفی این مسئله است. الگوگیری و تکرار اعمال مشاهده شده با فرزندان کوچکتر نیز، بارها به علت همین مسئله گزارش شده است.

باورهای غلط درباره مسائل عاطفی و جنسی

تبلیغات غلط و غلو شده در رسانه های نوین که دائماً بر توانایی های جنسی افراد مجرد و متاهل تاکید می کنند، می تواند زمینه ساز شکل گیری باورهای غلط و کسب اطلاعات نادرست در زمینه مسائل جنسی افراد شود. این برنامه ها و تبلیغات که هدفی جز فروش محصولات خود ندارند، باعث شده اند بسیاری درباره چگونگی و توانمندی های جنسی خود شک کنند و در پی درمان های نادرست بروند. از سویی اطلاعاتی که برنامه هادرباره چگونگی روابط عاطفی در سریال ها و فیلم های خود نشان می دهند، باعث شکل گیری سبک های نادرست ارتباطی بین جوانان می شود.

فراهم سازی گسست و درگیری بین نسلی

تاثیر رسانه ها بر روی فرزندان خانواده ها یا نوجوانان و جوانان بیشتر است، به طوری که این گروه زمان بیشتری را صرف رسانه ها می کنند. آنها ارزش ها، باورها، تصورات، انتظارات و جهت گیری های ارزشی متفاوتی را تبلیغ و عرضه می کنند که باعث می شود به مرور زمان فاصله روانی بین والدین و فرزندان بیشتر و بیشتر شود و به انقطاع یا گسست نسلی بینجامد. اختلافات و درگیری های شدید بین فرزندان و والدین، ترک منزل بدون اطلاع، حرمت شکنی ها و ... نتیجه این فرایند است.

وابستگی و اتلاف وقت

رسانه های نوین چنان با جذابیت و تنوع همراه می شوند که همه سعی خود را بر میخکوب کردن و یکجا نشانیدن کاربر خود می کنند. این تنوع، سرگرمی و جذابیت باعث می شود برخی افراد تا ساعت ها، زمان خود را بر روی آنها اختصاص بدهند که نتیجه ای جز اتلاف وقت ندارد و حتی گاهی باعث ایجاد وابستگی می شود؛ به طوری که اگر زمانی فرد نتواند یک برنامه را به هر دلیلی مشاهده کند، دچار احساسات منفی می شود و دائما در پی رفع آن دلیل خواهد بود، انکار نبض زندگی او با نبض رسانه گره خورده است.

افت عملکردهای تحصیلی

استفاده از رسانه ها آن هم تا پاسی از نیمه شب، باعث کاهش عملکردهای آموزشی و تحصیلی دانش آموزان و دانشجویان می شود؛ بطوریکه در کلاس درس دائما چرت می زنند و وقت کمی را نیز برای انجام تکالیف درسی و آموزشی خود می پردازند.

تهدید سلامت جسمانی

استفاده مفرط از رسانه های نوین باعث ایجاد سکون و بی حرکتی می شود که این خود می تواند زمینه های سردرد شدید، گردن درد، اختلالات خواب، خشک شدن چشم ها و دشواری در دید، اضافه وزن و ... را فراهم کند [۸].

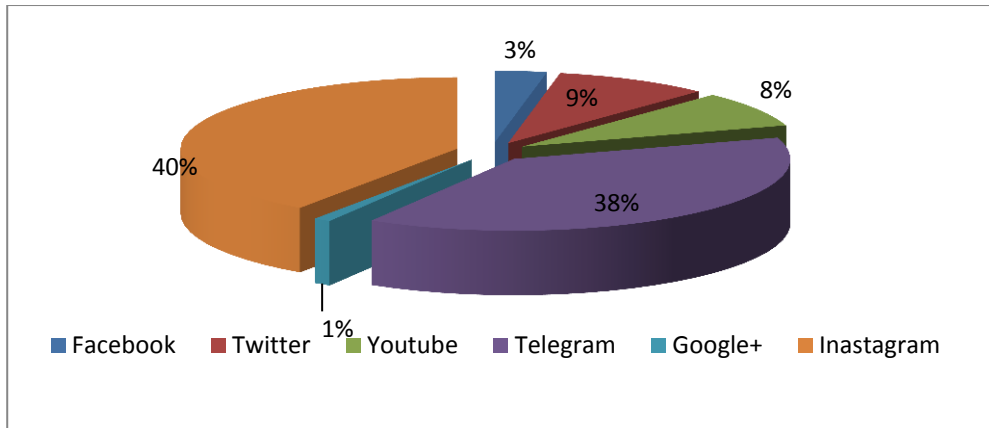
تاثیرات شبکه های اجتماعی بر سلامت روحی و روانی افراد جامعه

شبکه های اجتماعی فضایی آنلاین هستند که بر ساخت و بازتاب روابط اجتماعی میان افراد تمرکز می کنند؛ افرادی که در این فضا به تبادل علایق و فعالیت هایشان می پردازند. شبکه های اجتماعی علاوه بر شکل دهی جدید به عرصه و فضای تعاملات رو در روی اجتماعی و کنش های میان فردی، نقش مهمی هم در نحوه انجام تعاملات شغلی و تجاری ایفا می کنند. در بحث از آسیب شناسی شبکه های اجتماعی، نکته ای حائز اهمیت، ریسک بسیار بالای این گونه شبکه ها از لحاظ آسیب های اجتماعی و فرهنگی می باشد. شبکه های مختلف اجتماعی با صدها میلیون کاربر در سال های اخیر توجه مهاجمان سایبری را نیز بیش از هر هدف دیگری به خود جلب کرده اند. کاربران ساعت های بسیاری را برای چت کردن با دوستانشان و چک کردن صفحه شخصی در شبکه های اجتماعی صرف می کنند. در واقع چک کردن صفحه شخصی، مطالعه ای به روزرسانی های دوستان مختلف و نظر دادن روی عکس ها و فیلم های دیگران، به عادت ناخودآگاه تبدیل شده است که در کوتاه مدت تمرکز افراد بر امور جاری زندگی و یا فعالیت های شغلی را تحت تاثیر خود قرار می دهد. در برخی مطالعات که هزینه های فیس بوک را بر اقتصاد مورد واکاوی قرار داده اند نیز این هدر رفت سرمایه خود را نمایان تر ساخته است. در عصر ترافیک و انواع آلودگی های محیطی و اخلاقی، وجود این نوع تکنولوژی ها به انسان راحت طلب بهانه می دهد که دیگر به سمت صلح رحم در عالم فیزیکی و متن جامعه گام برندارد. روابط مجازی در شبکه های اجتماعی، به تدریج روابط رو در روی افراد را کم رنگ کرده و این امر به انزوای اجتماعی و در نهایت عدم جامعه پذیری صحیح در روند اجتماعی شدن افراد منجر خواهد شد. این محیط می تواند با ارائه امکانات جدیدتر رابطه بشر را روز به روز با دنیای خارج کمتر کند و نقش انسانی را در جامعه کمتر و کمتر نماید. امروزه اعتیاد در استفاده از شبکه های اجتماعی اینترنتی به معضلی برای نهاد خانواده در سراسر جهان تبدیل شده است. گسترش روزافزون شبکه های اجتماعی در میان کاربران اینترنت، نیازمند بررسی رفتارهای فردی و اجتماعی انسان هاست [۴].

آمار استفاده از شبکه های اجتماعی در داخل کشور

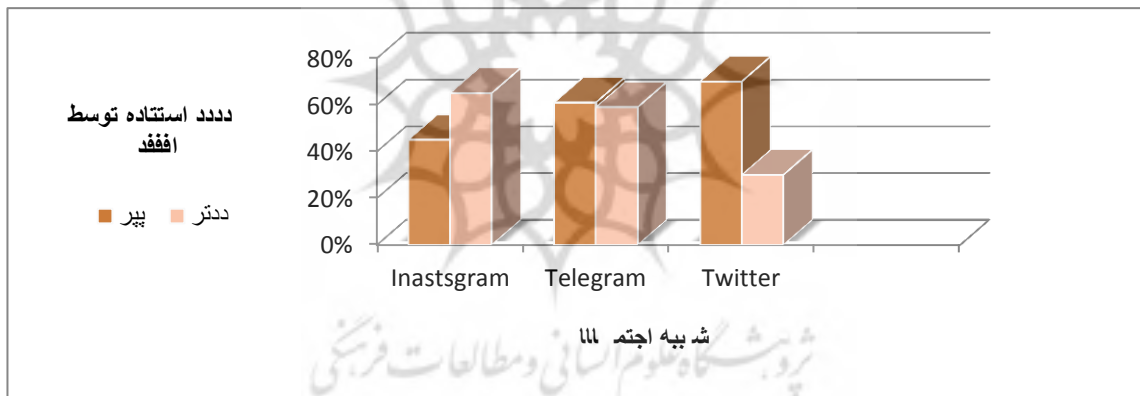
طبق آخرین آمارگیری که البته به صورت غیر رسمی و توسط یک تیم محقق ۲۰۰ نفره متشکل از دانشجویان روانشناسی و جامعه شناسی دانشگاه علوم تحقیقات تهران پیرامون استفاده از شبکه های اجتماعی در ایران و در مهرماه ۱۳۹۶ صورت گرفت، نتایج زیر بدست آمد [۹]:

میزان استقبال کاربران ایرانی از شبکه های اجتماعی مختلف



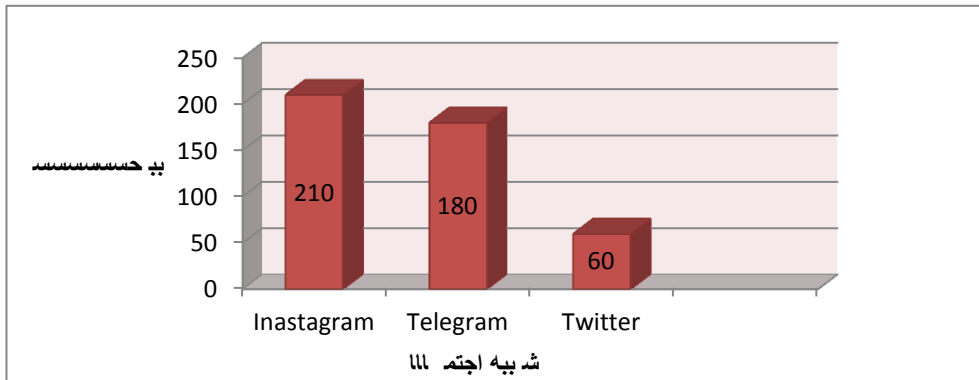
نمودار ۱، درصد استقبال کاربران ایرانی از شبکه های اجتماعی مختلف

نسبت جنسیت در سه شبکه اجتماعی پر بازدید



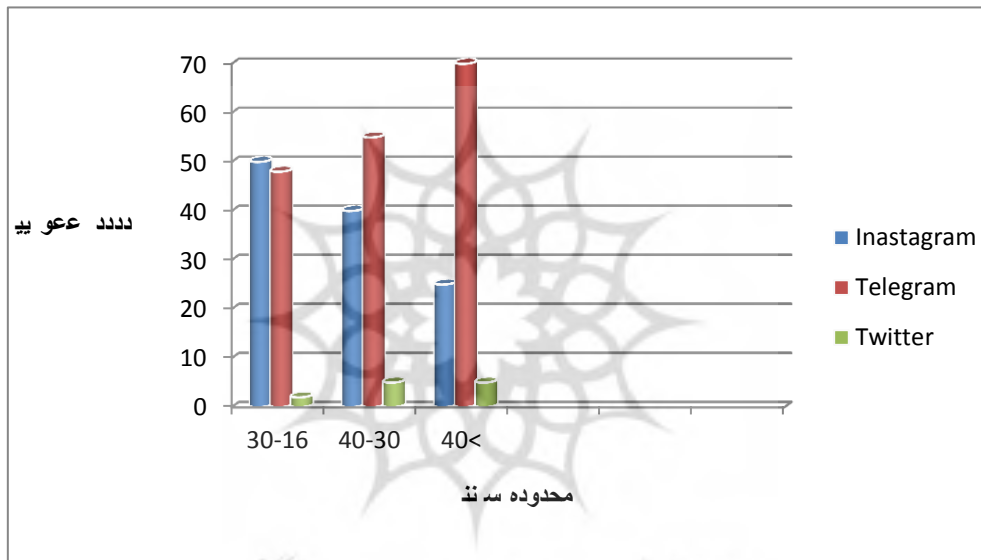
نمودار ۲، نسبت جنسیت در سه شبکه اجتماعی پر بازدید تر

آمار ماهانه زمان سپری شده در شبکه های اجتماعی



نمودار ۳. آمار ماهانه زمان سپری شده در شبکه های اجتماعی

نمودار جمعیت سنی کاربران شبکه های اجتماعی



نمودار ۴. جمعیت سنی کاربران شبکه های اجتماعی

نقش آموزش و پرورش در مقابله با آسیب های رسانه های نوین

در دنیای فرا صنعتی امروز که به عصر نانو تکنولوژی معروف است، با گسترش ابزارهای ارتباطی و رسانه های نوین مانند ماهواره، اینترنت، موبایل و بازیهای رایانه ای، زندگی جوامع مختلف علی الخصوص جوامع اسلامی که شالوده اصلی بنیادهای اخلاقی و اجتماعی آن بر پایه ی دین مبین اسلام نضج گرفته، با چالش های فراوانی روبرو شده است. ماهواره و فضای مجازی استراتژی ترین ابزارهای غرب برای تاثیر در اذهان ملت ها و تغییر فرهنگ و باورها و در نتیجه رفتار مردم است و بررسی آسیب ها و چگونگی برخورد با این پدیده در جامعه اسلامی توسط کارشناسان از ضروریات بسیار اساسی است. مدرسه به عنوان جایگاهی که وظیفه آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان را در ساعاتی از شبانه روز بر عهده دارد مهم ترین مکانی است که می تواند بر جلوگیری از آسیب های ناشی از رسانه ها تاثیرگذار باشد.

آموزش و پرورش فرصتی برای آموزش مهارت ها

بدون شک ناآشنایی کافی کودکان و نوجوانان با مهارت های اجتماعی ریشه اغلب آسیب پذیری های اجتماعی آن هاست؛ از این رو بررسی نقش آموزش مهارت های اجتماعی در کاهش آسیب های اجتماعی در مدارس می تواند بسیار کمک کننده باشد. با توجه به این که آموزش و پرورش، ۱۲ سال با افراد ارتباط دارد و مدرسه یکی از مؤثرترین محیط های اجتماعی است و مردم و خانواده ها نیز در زمان حضور فرزندان در مدرسه، با این محیط در ارتباط هستند؛ بنابراین دانش آموزان در سنی قرار دارند که اگر اطلاعات کافی به آن ها داده شود، به ندرت در سنین بالاتر درگیر آسیب های گوناگون از جمله آسیب های ناشی از رسانه ها می شوند. آموزش و پرورش باید در کلاسهای خود را برای توسعه برنامه های مبتنی بر افزایش مهارت استفاده از رسانه ها و پیشگیری از آسیب های آنها باز کند.

آموزش و پرورش و پیشگیری از آسیب های رسانه ای

نکته ای که بسیاری از کارشناسان بر آن تاکید دارند اهمیت نقش آموزش و پرورش در بخش پیشگیری از آسیب های اجتماعی است. آموزش و پرورش گسترده ترین دستگاه فرهنگی کشور است که به طور مستقیم جمعیتی بزرگ را تحت پوشش قرار داده است. ضمن آن که این مجموعه ابزارهای لازم برای تنظیم و یا کنترل آسیب های اجتماعی را دارد و می تواند از ساعاتی که دانش آموزان در مدرسه حضور دارند استفاده کرده و برای مقابله با آسیب ها برنامه ریزی کند. آموزش و پرورش می تواند پدر و مادرها را در قالب انجمن اولیا و مربیان جمع کند و برای مقابله با آسیب های رسانه ای و در نتیجه آسیب های اجتماعی فرزندان آگاه سازی داشته باشد.

پیش گیری اولیه به این معناست که تلاش کنیم مهارت ها و توانمندی های کودکان و نوجوانان را برای مراقبت از خود در برابر رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی ارتقاء بدهیم. یکی از ضرورت های مهم برای تکمیل رویکرد پیشگیری اولیه برای محافظت و مراقبت از کودکان و نوجوانان، استقرار نظام مراقبت اجتماعی از کودکان و نوجوانان به ویژه نوجوانان در معرض خطر و پرخطر است و برای تحقق این موضوع همکاری دستگاه های فرهنگی و اجتماعی، خانواده ها و رسانه ها با وزارت آموزش و پرورش در جهت گسترش خدمات پیش گیرانه و مراقبتی در سطح مدارس دارای اهمیت زیادی است.

مدرسه به عنوان یک محیط آموزشی اگر نتواند وظایف تربیتی خود را به نحو مطلوب انجام دهد و بدون توجه به وظایف علمی و اجتماعی خود و بی علاقهی نسبت به درک نیازهای روحی نوجوان، فقط به آموزش کلیشه ای صرف بپردازد قطعاً به پایگاهی برای کجروی و انحراف دانش آموزان تبدیل خواهد شد. از این رو مسئولان آموزشی باید به نوجوان آموزش دهند که چگونه با واقعیت ها روبرو شود. موسسات آموزشی نقش موثری در بهداشت روانی و فراهم آوردن محیطی سالم در جهت رشد فکری و شکوفایی اندیشه ها دارند که برای ایفای چنین نقشی معلمان و مسئولان مدارس باید از سلامت روانی کافی برخوردار باشند. به همین دلیل باید از همکاری و همفکری اولیای کودکان، خود بچه ها و مسئولان مدارس به صورت مشترک استفاده شود و در هر واحد آموزشی یک شورا و یا انجمن برای بررسی و برنامه ریزی مسائل تربیتی و فکری دانش آموزان آن مدرسه تشکیل شود تا به موقع و به جا پیش گیری های لازم به عمل آید.

به هر حال باید بپذیریم آموزش و پرورش به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی بیشترین تاثیر تربیتی را بر روی یکایک افراد جامعه دارد به شرطی که به موقع و به جا، بتواند کارکرد جامعه پذیری و در کنار آن پیش گیری از آسیب های اجتماعی را بدون هیچ وقفه و خللی به شکلی مطلوب و مناسب به انجام رساند.

طرح های پیشگیرانه آموزش و پرورش از آسیب های رسانه ای

از جمله طرح هایی که می توان در پیشگیری از آسیب های اجتماعی رسانه ها اجرا کرد عبارتند از :

اطلاع رسانی در کتب درسی

در کتب درسی دوره ابتدایی می توان به صورت زیرکانه و غیر مستقیم در کودکان زمینه روحی و فکری مساعدی را برای مقابله با رسانه ها ایجاد نمود. استفاده از کودکان در کنترل جرایم رانندگی والدین در قالب طرح همیار پلیس نشان می دهد که از طرح های مشابه نیز می توان برای کنترل کاربرد رسانه ها در خانه بهره گرفت. کودکان را علیه کاربرد رسانه ها در خانه بسیج کنیم! در کتب مقاطع بالاتر نیز می توان ضمن آموزش استفاده درست و بهینه از رسانه ها و روش کار با آنها، دانش آموزان را با خطراتی که آنها را در این زمینه تهدید می کند، آشنا ساخت.

کلاسهای آموزش خانواده انجمن اولیاء و مربیان

آموزش و پرورش با دعوت از روانشناسان و جامعه شناسان زنده در کلاسهای آموزش خانواده اولیاء را با خطرات رسانه ها آشنا کند. تقویت غیرت مردانه برای حفظ ناموس خانواده و تقویت حس زنانه در تعلق شوهر در این کلاسها می تواند در مبارزه با خطر مهم کاربرد رسانه ها که همانا کاهش حساسیت های زن و شوهر نسبت به تعلق همدیگر است کمک نماید که این خود باعث محکم شدن ارکان خانواده می گردد. ضمناً آگاه ساختن خانواده ها در رابطه با آسیب های رسانه ها که ممکن است فرزندان آنها را تهدید کند، کمک بزرگی در این ارتباط است.

نمایش فیلم های مستند از پیامد های استفاده نادرست از رسانه ها

این روش هم در جلسات اولیا و مربیان و هم برای دانش آموزان در مقاطع بالاتر قابل استفاده است.

برپایی نمایشگاه های عکس و کاریکاتور با عنوان آسیب های رسانه های نوین

آموزش معلمان و دبیران در خصوص آسیب های رسانه های نوین

همکاری با شهرداری هر منطقه در خصوص استفاده بهینه از دیوارهای شهر جهت دیوارنگاری و نصب بنرهای تبلیغاتی آگاهی دهنده

همکاری با رسانه ملی جهت دادن آگاهی و آموزش خانواده ها در رابطه با آسیب های رسانه های نوین

همکاری با دانشگاه ها در برپایی همایش، جلسات نقد و...

نتیجه گیری

امروزه استکبار و غرب به سرکردگی صهیونیسم برای رسیدن به اهداف خود پروژه جنگ نرم را طراحی و به دنبال اجرای مو به موی آن با ظرافتی خاص هستند که در واقع همان جنگ فرهنگی است و دشمن برای این جنگ تمام عیار همچون دوران دفاع مقدس چیزی کم نگذاشته است. تنها راه مقابله با رسانه های نوین از جمله ماهواره و فضای مجازی آگاه سازی نسبت به مضرات این پدیده شوم است. زمان و فرصت هائی که در کنار رسانه ها سپری می شود سرمایه گران بهایی است که اگر مدیریت نشود حاصلی جز تباهی و پشیمانی به دنبال خواهد داشت. اختلال در ارتباط های اجتماعی و عاطفی کاربران و جایگزینی دوستان مجازی به جای دوستان واقعی فرد از معایب استفاده از شبکه های مجازی است که به طور ناخودآگاه بر فرد اثر می گذارد و نتیجه استفاده مدام از این شبکه ها می باشد.

فیلترینگ و قطع دسترسی و کلا اعمال محدودیت های اجتماعی به هیچ عنوان راهکار مناسبی برای کنترل بازتاب های منفی این پدیده نیست و بعضاً نتایج عکس را در پی دارد. در واقع بهتر است با افزایش سطح آگاهی ها و آموزش های لازم افراد جامعه را به سمت استفاده مطلوب و درست از این شبکه ها سوق داد و در مقابل مخاطرات آن واکنش نمود. دولتمردان باید بستر لازم را فراهم آورند تا افراد جامعه خود به این بلوغ فکری دست یابند که کدام بخش از این پدیده یک تهدید و کدام ابزار آن یک فرصت در جهت اعتلای سطوح فردی اجتماعی اشان است.

در جوامع سنتی و آئینی گرچه رفاه در حد پائینی بود ولی آرامش روحی و روانی بدلیل ارتباطات صحیح انسانی در حد مطلوب ساری و جاری بوده، ولی امروزه با پیشرفت علم و تکنولوژی و سرعت بالای ارتباطات به ویژه در فضای مجازی و ماهواره ای جامعه دچار ناهنجاری های بسیار زیادی شده است.

وظیفه معلمان و بطور کلی سیستم تعلیم و تربیت در قبال دانش آموزان و جامعه بسیار سنگین و تامل برانگیز و این مهم به بسیج عمومی و مدیریت جهادی نیازمند است.

رسانه های نوین سبک زندگی غربی را در سطح جوامع تبلیغ و ترویج می کنند و دنبال دستکاری اعتقادات، باور، افکار و رفتار مردم هستند. فضای مجازی و رسانه های نوین کودکان، نوجوانان و جوانان ما را تهدید می کنند لذا رسالت آموزش و پرورش با ترویج سبک زندگی اسلامی خنثی سازی توطئه دشمن و رسالت بسیار سنگینی است.

مکتب تعلیم و تربیت اسلامی رسالت های مهمی را برای معلمان عزیز ترسیم کرده است که از جمله آنها می توان به دعوت به سوی خدا و تربیت الهی، دعوت به سوی نور و تربیت نورانی، دعوت به سوی اصلاح جامعه و تربیت صالح، دعوت به پاکسازی و تربیت اخلاقی، دعوت به سوی علم و دانش و تربیت قرآنی و خلاصه رساندن انسان به حیات طیبه اشاره کرد.

در نظام تعلیم و تربیت اسلامی معلم مسؤول تمام مقدراتی است که برای محصلین او رقم می خورد، رسالت تعلیم و تربیت اسلامی عملیاتی نمی شود مگر با خود سازی، تهذیب نفس، خلوص نیت، صلاحیت علمی، فروتنی و گذشت که معلم در خود ایجاد می کند، معلم اگر خودسازی کند و تهذیب نفس نماید محصلین او صالح و صالحه خواهند بود و اگر معلم تربیت دینی نداشته باشد سبب انحراف می گردد، سعادت و شقاوت کلیدش به دست معلم است و این موضوع حکایت از جایگاه خطیر و رفیع معلمان عزیز دارد. در این راستا آموزش و پرورش یکی از نهادهای مهم و حساس در مسیر مقابله با آسیب های رسانه ای است که می تواند با همکاری دیگر نهادها این امر خطیر را انجام دهد. امید آنکه در این مقوله موفق باشد.

منابع و مراجع

- [۱] اوسمو.اویو، مترجم بهار، شاهرخ، مجله رسانه، پاییز ۱۳۷۳، شماره ۱۹ ISC.
- [۲] جریس هنسون، تکنولوژی های جدید ارتباطی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه داوود حیدری، چاپ سوم، ۱۳۸۱، ناشر انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- [۳] پاستر، مارک، عصر دوم رسانه ها، ترجمه ی غلامحسین صالح یار، تهران، انتشارات موسسه ایران، ۱۳۷۷.
- [۴] مرادی، حجت اله، عملیات روانی و رسانه، انتشارات روایت فتح، ۱۳۸۹.
- [۵] اینترنت و جامعه، نوشته جیمز اسلوین، ترجمه عباس گیلوری و علی رادباوه نشر کتابدار، ۱۳۸۰.
- [۶] ملوین و فلور، اورت ای، دنیس، شناخت ارتباطات جمعی، مترجم: سیروس مرادی، زیر نظر دکتر ناصر باهنر، چاپ دوم، انتشارات دانشکده صدا و سیما.
- [۷] ضیائی پور، حمید، جنگ نرم. موسسه ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار، ۱۳۸۳.
- [۸] سمتی، محمد مهدی، عصر CNN و هالیوود، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.
- [۹] سایت شبکه فن آوری اطلاعات ایران www.IRITN.com